

Examining the Concept of Blessing (Ni'mah) in the Qur'an as a Civilizational Element*

Fateme Saedi,¹  Seyede Fateme Hashemi,²  Amir Tavhidi³ 

¹ PhD Candidate, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. f.saedi3@iau.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**). fat.hashemi64@iau.ac.ir

³ Associate Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Tohidi.a@qhu.ac.ir

Abstract

In civilizational studies, fundamental concepts play a central role in explaining the dynamism and decline of societies. Adopting a Qur'anic perspective, the present study focuses on the concept of ni'mah (divine blessing) as a key variable in civilizational processes. This research undertakes a comprehensive and multidimensional analysis of the concept of blessing in the Qur'anic verses in order to clarify how human attitudes toward divine blessings shape the destiny of civilizations. The main question addressed in this study is how material and spiritual divine blessings influence civilizational processes. The article is based on the hypothesis that the Holy Qur'an, through its precise explanation of the concept of blessing and the consequences of gratitude (shukr) or ingratitude (kufrān) toward it, presents a comprehensive model for civilizational guidance and development. Using a qualitative content

* **Cite this Article:** Saedi F., Hashemi S. F., Towhidi A. (2026). Examining the Concept of Blessing (Ni'mah) in the Qur'an as a Civilizational Element. *Qur'anic Research* 31(2), p. 23-48.

<https://doi.org/10.22081/jqr.2026.74032.4381>

Received: 2026 Jan 1

Type of Article: Research Article

Revised: 2026 Jan 25

Publisher: Islamic Sciences and Culture Academy

Accepted: 2026 Apr 15

©2026/authors retain the copyright and full publishing rights

Published online: 2026 Jul 1



<https://jqr.isca.ac.ir>

analysis of Qur'anic verses, this study explores, categorizes, and analyzes Qur'anic themes related to blessings and the behavioral consequences of human responses to them. Through this approach, it elucidates the close relationship between this concept and the fate of societies and civilizations. The findings indicate that gratitude, proper utilization, and responsible preservation of blessings—serving as ethical and social foundations—contribute to the vitality and sustainability of civilizations, whereas ingratitude and denial of blessings create the conditions for decline and degeneration. By presenting an analytical framework, this research highlights the distinctive role of the concept of blessing in understanding the roots of the endurance or collapse of civilizations.

Keywords: Blessing (Ni'mah), Element, Muslims, Children of Israel, Civilization.



بررسی مفهوم نعمت در قرآن به مثابه عنصری تمدنی*

فاطمه ساعدی^۱، سیده فاطمه هاشمی^۲، امیر توحیدی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
f.saedi3@iau.ac.ir

^۲ استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
fat.hashemi64@iau.ac.ir (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
tohidi.a@qhu.ac.ir

چکیده:

در مطالعات تمدنی، مفاهیم بنیادین، در تبیین پویایی و زوال جوامع، نقشی محوری ایفا می‌کنند. پژوهش پیش‌رو با اتخاذ رویکردی قرآنی، بر مفهوم «نعمت» به‌عنوان متغیری کلیدی در فرآیندهای تمدنی متمرکز است. این مطالعه به واکاوی عمیق و چندوجهی مفهوم نعمت از منظر آیات الهی می‌پردازد تا روشن سازد چگونه رویکرد انسان به نعمت‌های الهی، سرنوشت تمدن‌ها را رقم می‌زند. پرسش اصلی این است که نعمت‌های مادی و معنوی الهی چگونه بر فرآیندهای تمدنی اثر می‌گذارند؟ مقاله بر این فرضیه استوار است که قرآن کریم با تبیین دقیق مفهوم نعمت و آثار شکر یا کفران آن، الگویی جامع برای هدایت و تعالی تمدنی ارائه می‌دهد. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن کریم، به کاوش، دسته‌بندی و تحلیل مضامین قرآنی مرتبط با نعمت و پیامدهای رفتاری انسان نسبت به نعمت‌ها می‌پردازد و از این طریق، ارتباط تنگاتنگ این مفهوم را با سرنوشت جوامع و تمدن‌ها تبیین می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد شکرگزاری، بهره‌برداری صحیح و حفظ مسئولانه نعمت‌ها، به‌مثابه بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی، به پویایی و بقای

* **استناد به این مقاله:** ساعدی، فاطمه؛ هاشمی، سیده فاطمه؛ توحیدی، امیر (۱۴۰۵). بررسی مفهوم

نعمت در قرآن به‌مثابه عنصری تمدنی. پژوهش‌های قرآنی، ۳۱(۲)، ص ۲۳-۴۸.

<https://doi.org/10.22081/jqr.2026.73935.4371>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۶	نوع مقاله: پژوهشی
تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵	تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۱۰	ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

© ۱۴۰۵ / نویسندگان دارنده حق مؤلف خود بدون محدودیت هستند.



تمدن‌ها یاری می‌رساند، در حالی که کفران و ناسپاسی، بستر زوال و انحطاط را فراهم می‌آورد. این تحقیق با ارائه چارچوبی تحلیلی، نقشی بی‌بدیل مفهوم نعمت را در فهم ریشه‌های دوام یا سقوط تمدن‌ها برجسته می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: نعمت، عنصر، مسلمانان، بنی اسرائیل، تمدن.

مقدمه

در تطور و تحول تمدن‌ها (فرایندهای تمدنی)، مفاهیم بنیادین، در تبیین پویایی و زوال جوامع، نقشی محوری ایفا می‌کنند. نظام‌های اعتقادی، ساختارهای اجتماعی و تعاملات میان آنها، الگوهای دگرگونی و تحولات بنیادین را در جوامع بشری پدید می‌آورند. درک سیر تاریخی تمدن‌ها، مستلزم تحلیل دقیق این تعاملات پویا و درک نقش هر یک از این مؤلفه‌ها در شکل‌گیری سرنوشت جوامع است.

قرآن کریم، به‌عنوان کتاب هدایت و بنیان‌گذار تمدن اسلامی، با ارائه بینشی جامع‌نگر، انسان را در شناخت نعمت‌های الهی، ارتباطش با عالم هستی، مبدأ و معاد و جایگاهش در نظام آفرینش یاری می‌رساند. این بینش، انسان را از سرگشتگی ناشی از نشناختن نعمت‌ها رها می‌کند و به درکی صحیح از مفهوم «نعمت» به‌عنوان عنصری بنیادین در تمدن‌سازی رهنمون می‌سازد. بر این اساس، بسیاری از مفاهیم قرآنی در سطح تحلیل نظام ارتباطی انسان و جهان مطرح شده‌اند؛ مانند: امنیت در آیه ۸۴ سوره بقره: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ...»^۱؛ وحدت (عدم اختلاف) در آیه ۱۰۳ آل عمران: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...»^۲؛ احسان به دیگران، والدین، خویشان و نزدیکان، و دیگر انسان‌ها) در آیه ۸۳ سوره بقره: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِأُولِي الدِّينِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...»^۳.

در این مقاله نویسنده می‌کوشد یکی از مهمترین این مفاهیم قرآنی، یعنی مفهوم نعمت را از منظر تمدنی بررسی کند. واژه نعمت در قرآن به‌نحوی گسترده مطرح شده است و معنایی فراتر از معنای مادی دارد، چنان‌که نعمت‌های ظاهری و باطنی را دربرمی‌گیرد. آیاتی مانند آیه ۲۰ سوره لقمان «الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّهُمْ سَخَّرَ اللَّهُ لَهُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ

۱. و چون از شما پیمان محکم گرفتیم که: خون همدیگر را مریزید، و یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید

۲. و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسیله ارتباط دیگر) چنگ زنید و پراکنده نشوید

۳. و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که: جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر، و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید، و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید.

عَلَيْكُمْ نِعْمَةٌ ظَاهِرَةٌ وَبَاطِنَةٌ»^۱ به نعمات ظاهری اشاره دارند. در مورد نعمت باطنی نیز می‌توان به آیه ۴۰ سوره بقره اشاره کرد: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ»^۲ در پژوهش پیش‌رو در پی پاسخ به این پرسش هستیم که نعمت‌های مادی و معنوی الهی با توجه به آیات قرآن چیستند؟ و چگونه بر فرایندهای تمدنی اثر می‌گذارند؟ چگونه شکرگزاری نعمت‌های الهی می‌تواند به پویایی تمدن‌ها منجر شود؟ آیا بی‌توجهی به نعمت‌های الهی به زوال تمدن‌ها می‌انجامد؟ مفهوم نعمت در قرآن، در شکل‌گیری اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی در تمدن اسلامی چه نقشی دارد؟ این موارد، پرسش‌های فرعی است که در خلال مباحث به آنها پرداخته می‌شود.

به عنوان فرضیه به نظر می‌رسد قرآن با استفاده از شیوه یادآوری نعمت‌ها و تأکید بر استفاده صحیح از آنها، می‌کوشد امت‌ها را در فرآیند تحول تمدنی هدایت کند تا مانع فروپاشی و زوال آنها گردد. بر این اساس، نویسندگان با استفاده از تحلیل محتوا و تمرکز بر آیات مرتبط درباره امت‌هایی چون امت اسلام و بنی اسرائیل، نقش نعمت الهی به عنوان عنصری کلیدی در پویایی و زوال تمدن‌ها را ارزیابی می‌کنند. اما سرنوشت این امت‌ها نشان می‌دهد نعمت الهی به خودی خود، تضمین‌کننده پویایی نیست، بلکه رفتار و عمل انسان در قبال آن، تعیین‌کننده سرنوشت تمدن است. شکرگزاری و وفای به عهد از ارکان اساسی پویایی تمدن در آموزه‌های قرآنی به‌شمار می‌آید.

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن کریم انجام شده است. در این راستا، ابتدا آیات مرتبط با مفهوم (نعمت) استخراج شدند، سپس بر اساس مضامین کلیدی (مانند انواع نعمت، شکر و کفران، و پیامدهای تمدنی) دسته‌بندی گردیدند. در نهایت، محتوای این آیات با تمرکز بر ارتباط نعمت با مؤلفه‌های بنیادین تمدنی (مانند امنیت، وحدت، و عوامل پیشرفت یا زوال) تحلیل شد و الگوهای رفتاری انسان در قبال نعمت و پیامدهای تمدنی آن استخراج گردید. گفتنی است این مقاله در سه بخش اصلی سازماندهی شده است: ۱. خوانشی قرآنی از تمدن: این بخش با تعریف

۱. ندیدید که خداوند آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، برای شما مسخر کرده و نعمت‌های ظاهری و باطنی خود را بر شما سرازیر کرده است.
۲. ای فرزندان اسرائیل، نعمتهایم را که بر شما ارزانی داشتیم به یاد آرید، و به پیمانم وفا کنید، تا به پیمانتان وفا کنم، و تنها از من بترسید.

«تمدن» از منظر قرآن و مطالعات اسلامی و برجسته کردن نقش محوری «قرآن» و «نعمت‌های الهی» در این فرآیند، زمینه را برای بحث اصلی مقاله فراهم می‌کند؛ ۲. نعمت‌های الهی برای مسلمانان: که به مهم‌ترین نعمت‌ها و مصادیق آن (امنیت، وحدت، دفع خطر و ولایت) در آیات اشاره می‌شود؛ ۳. بنی‌اسرائیل و نعم الهی: مصادیق این نعمت‌ها و پیمان‌شکنی بنی‌اسرائیل و همچنین پیامدهای نقض این عهد بررسی می‌گردد.

مطالعات متعددی در حوزه تمدن‌پژوهی اسلامی و مباحث قرآنی صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. حبیب‌الله بابایی در مقاله «درآمدی بر یأس و امید در فراز و فرود تمدن اسلامی» به بررسی نظری و الهیاتی نسبت «امید»، «ایمان» و «تمدن» در دیدگاه‌های اسلامی، مسیحی و یهودی می‌پردازد و سپس با نگاهی به هفت دوره تمدن اسلامی، نمونه‌هایی از امیدها و ناامیدی‌ها و تأثیرات اجتماعی آنها را برای ترسیم فرآیند تاریخی حرکت از یأس به امید در این تمدن ارائه می‌دهد.

۲. علی‌اکبر ولایتی در مقاله «پویایی و بالندگی تمدن اسلامی» نیز ضمن تعریف تمدن و فرهنگ، عوامل زوال و احیای تمدن اسلامی، به‌ویژه نقش محوری اسلام در شکل‌گیری و تجدید حیات آن را تحلیل می‌کند.

۳. حمزه علی وحیدی‌منش در مقاله «عناصر تمدن‌ساز دین اسلام» نشان می‌دهد اسلام با تکیه بر برخی عناصر تمدن‌ساز همچون عقل‌گرایی، عدالت‌گرایی و علم‌گرایی و غیره قادر به ایجاد تمدنی مطابق با نیازهای انسان معاصر است.

۴. نقش‌نگرش سامانه‌ای در خوانش تمدنی قرآن و صورت‌بندی تمدن تألیف زهرا محمودی، ستایش محمد کاظم رحمان و حبیب‌الله بابایی، مقاله دیگری است که به بررسی رویکردی تمدنی با محوریت «سامان‌مندی» و «سازواری» درونی و بیرونی قرآن می‌پردازد.

۵. مقاله «بررسی نظام تمدن‌سازی اسلامی در قرآن کریم (با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل‌گفتمان)» تألیف آقایان علی سلیمان‌پور و امیر اکبری، برنامه «تمدن‌سازی اسلامی» در قرآن را تحلیل می‌کنند. نویسندگان ابتدا گفتمان جاهلی و سپس وجوهی از قرآن را که با آن تقابل دارد و نشانه‌های گفتمان تمدن‌ساز اسلامی را بررسی می‌کنند تا ابعاد پنهان آن را آشکار سازند.

این مقالات در پرداختن به تمدن اسلامی و عناصر سازنده آن مشترک هستند. اما تفاوت‌شان در تمرکز بر مفاهیم کلیدی است: مقاله اول بر امید و یأس، دوم بر عوامل زوال و احیا، سوم بر عقل‌گرایی و علم و غیره، چهارم بر سامان‌مندی و پنجم بر تحلیل‌گفتمان تأکید دارند. با این حال، نویسندگان این پژوهش می‌کوشند با تمرکزی منحصر به فرد بر مفهوم (نعمت) به مثابه عنصری کلیدی و تعیین‌کننده در پویایی یا زوال تمدن‌ها، ضمن بهره‌گیری از رویکرد تحلیلی نسبت به آیات قرآن، چارچوبی ارائه دهند که ارتباط مستقیم و بنیادین نعمت را با سرنوشت تمدن‌ها برجسته سازد. این رویکرد، وجه تمایز اصلی این تحقیق با مطالعات پیشین به‌شمار می‌آید.

خوانشی قرآنی از تمدن

مفهوم تمدن، به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در علوم انسانی و اجتماعی، همواره بحث و بررسی شده است. برای ورود به بحث درباره نقش نعمت در شکل‌گیری تمدن از منظر قرآن کریم، ضروری است ابتدا تعریفی جامع و دقیق از خود تمدن ارائه دهیم تا از این رهگذر، بتوانیم روابط و نسبت‌های میان نعمت و تمدن را در قرآن بررسی کنیم.

واژه «تمدن» معانی و تعاریف گوناگونی دارد. برخی لغت‌شناسان آن را از اصل عربی «مدینه» استخراج کرده و به معنای اقامت‌گزیدن، پذیرفتن اخلاق و رفتار خاص ساکنان شهرها، و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و معرفت می‌دانند (مصطفوی، ۱۴۱۶: ج ۱۱، ص ۵۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۴، ص ۶۱۰۹). با این حال، ابن‌خلدون با به‌کارگیری واژگانی چون «ال عمران» و «الحضارة»، نقشی برجسته در تبیین و صورت‌بندی نظری آن ایفا کرده است. مفهوم تمدن به معنای امروزی، از قرن ۱۸ میلادی بر اساس دیدگاه انسان‌محور در مغرب‌زمین شکل گرفته است (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۷۲). بنابراین تمدن و مدنیت در اصطلاح به نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی اشاره دارد که در جامعه‌ای خاص رخ می‌دهد. تمدن، مجموعه‌ای پیچیده از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال، دربردارنده جنبه‌های دینی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر است (جولیوس گولد و ویلیام کولب، ۱۳۹۲، ص ۴۷). شریعتی نیز تمدن را به معنای کلی، مجموعه‌ای از ساختارها و اندوخته‌های مادی و معنوی جامعه انسانی تعریف می‌کند (شریعتی، ۱۳۶۸، ص ۸).

هر تمدنی بر اساس باورها و ارزش‌ها شکل می‌گیرد، ولی بدون تردید ادیان نیز به دلیل دربرداشتن باورها و ارزش‌ها می‌توانند در شکل‌گیری تمدن‌ها نقش داشته باشند (الویری،

۱۳۹۴، ص ۵۷). خوانش قرآن با هدف رشد جامعه بشری در سطح کلان به عنوان یک خوانش تمدنی شناخته می شود (محمودی و دیگران، ۱۴۰۳، ص ۱۲۹). انسان همیشه در جست و جوی برقراری ارتباطات معنادار با خود، دیگران، و جهان پیرامونش بوده است. مصدر اصلی دین اسلام، قرآن است؛ طوری که به گفته گولن، قرآن، متن و زبان دین برای ساخت تمدن است (نوروزی فیروز، ۱۳۹۹، ص ۶۵۱). قرآن کریم به عنوان راهنمای جامع الهی، دربردارنده آموزه های تمدنی فراوانی است که در قالب یادآوری نعمت های الهی چون نعمت امنیت، نعمت وحدت و غیره که در سطح تحلیل نظام ارتباطی انسان و جهان بیان شده اند، توضیح داده می شود. این آموزه ها با ارائه پیمان های الهی با مسلمانان و بنی اسرائیل، نقشه راهی برای این ارتباطات معنوی و اجتماعی ترسیم می کنند. این عهد نه تنها اصولی را برای سعادت فردی و اجتماعی فراهم می آورد، بلکه زمینه ساز شکل گیری یک تمدن قرآنی بر پایه عدالت و همزیستی است. بررسی این میثاق ها ما را به ارزش ها و پیوندهای بنیادینی هدایت می کند که می تواند راه ساز ظهور تمدنی نوین بر اساس آموزه های قرآن باشد.

این عهد و میثاق هایی که در آیات مختلفی بیان شده است، مخاطب اصلی آن، تمام جامعه بشری و به ویژه پیروان دین اسلام است. تمدن قرآنی، تمدنی است که بر پایه آموزه های قرآن کریم شکل گرفته و هدف آن، تحقق عدالت، صلح، پیشرفت و تعالی در تمامی ابعاد زندگی است. اصول یاد شده در آیات ۸۳ و ۸۴ سوره بقره و آیه ۱۲ سوره مائده، هسته اصلی این تمدن را تشکیل می دهند. با عمل به این اصول، انسان می تواند ارتباطی معنوی با خداوند ایجاد نماید (عبادت خداوند): «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ»^۱ و «وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ»^۲ (بقره/۸۳)؛ ارتباطی عاطفی و اخلاقی با خانواده و جامعه را برقرار کند (نیکی به والدین، خویشاوندان، یتیمان و فقرا): «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ»^۳ (بقره/۸۳)؛ ارتباطی سالم و سازنده با دیگران شکل دهد (سخن نیکو با مردم): «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»^۴ (بقره/۸۳)؛ نظام اقتصادی عادلانه ای برپا کند (پرداخت زکات): «وَأَتُوا

۱. جز خدا را نپرستید.

۲. و نماز را به پا دارید.

۳. و به پدر و مادر، و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید.

۴. و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید.

الزَّكَاةَ» (بقره/۸۲)؛ جامعه‌ای امن و آرام را بسازد (پرهیز از خونریزی و عدم اخراج مردم از سرزمینشان): «لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَ كَرِيمٍ وَلَا تَخْرُجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ» (بقره/۸۴)؛ ایمان به پیامبران و یاری آن‌ها را نهادینه کند: «وَأَمْتُّهُ رُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ» (مائده/۷).

این میثاق‌ها فراتر از یک واقعه تاریخی است، بلکه الگویی برای ایجاد و حفظ نظام ارتباطی صحیح میان انسان، جامعه و جهان است که سنگ بنای تمدن قرآنی را تشکیل می‌دهد. قرآن از اصول اخلاقی مهمی سخن می‌گوید که سعادت و کمال بشری را در گروی عمل به این ارزش‌های الهی می‌داند (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۳۲؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۳۹). قرآن بر همبستگی اجتماعی و اتحاد بشریت تأکید دارد و آسیب به یک فرد را معادل آسیب به کل جامعه می‌داند (آیه ۳۲ سوره مائده). همچنین، میثاق‌های الهی در آیات ۸۳ و ۸۴ سوره بقره تعهدات اجتماعی را تبیین می‌کنند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۳۲۴) و ایجاد جامعه‌ای متعهد و همدل را ترغیب می‌نمایند. قرآن به حفظ جان و مال انسان‌ها تأکید می‌کند و این اصول از ارکان یک جامعه عادل و امن به شمار می‌آورد. بنابراین احسان و مسئولیت اجتماعی در قرآن نه تنها اصول فردی بلکه به عنوان زیرساخت‌های تمدن قرآنی عمل می‌کنند و راه را برای ایجاد جامعه‌ای عادل و همبسته هموار می‌سازند. بنابراین نظام تمدن‌سازی قرآن را می‌توان بسته کاملی از بایدها و نبایدهای عقیدتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و مانند آن در نظر گرفت (سلیمان پور و اکبری، ۱۳۹۴، ص ۲۶) چارچوب نظری مبتنی بر قرآن، نعمت‌ها را ابزاری برای ایجاد نظم، ارتباطات مؤثر و جامعه‌ای عادل (به ویژه در مقایسه با مسلمانان و بنی اسرائیل) می‌داند و امکان تحلیل دقیق فرآیند تمدنی را فراهم می‌کند.

۱. نعم الهی برای مسلمانان

یکی از ارکان اساسی هر تمدن، درک و بهره‌مندی از منابع و امکانات موجود است. در تمدن اسلامی، نعمت به منابع و امکانات الهی اطلاق می‌شود که بهره‌گیری صحیح از آنها، زمینه‌ساز رشد و تعالی فردی و اجتماعی است. قرآن با یادآوری این نعمت‌ها، حس مسئولیت‌پذیری را برمی‌انگیزد و مؤمنان را به حفظ و گسترش آنها در راستای ایجاد تمدن

۱. و زکات را بدهید.

۲. خون همدیگر را مریزید، و یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید.

۳. و به فرستادگان ایمان بیاورید و یاریشان کنید.

الهی دعوت می‌کند. در ادامه، مهم‌ترین این نعمت‌ها و نقش آنها در تمدن‌سازی بر اساس آیات قرآن بررسی می‌شود.

۱. نعمت وحدت: نخستین نعمتی که می‌توان از منظر تمدنی بررسی کرد و خداوند نیز در قرآن آشکارا از آن یاد نموده است، نعمت وحدت است که از نعمت‌های بزرگ الهی می‌باشد. در آیه ۱۰۳ آل عمران خداوند می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»^۱.

به نظر بسیاری از مفسران، این آیه در مورد دو قبیله اوس و خزرج که بیش از یک قرن درگیر جنگ و خونریزی بودند، نازل شده است. پیامبر ﷺ با ایجاد آشتی میان این دو قبیله، اتحادی نیرومند به وجود آورد، لکن به دلیل ریشه‌های عمیق اختلافات، گاهی اوقات درگیری‌ها دوباره شعله‌ور می‌شد. در اینجا آیه فوق نازل گردید و به صورت حکمی عمومی همه مسلمانان را با بیان مؤثر و مؤکدی به اتحاد و عدم تفرقه دعوت کرد. (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۴۶؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۱۸۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۹۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۹۵). دیدگاه غالب مفسران این است که آیه مورد اشاره، به روشنی بر نعمت وحدت و یکپارچگی در پرتو اسلام تأکید می‌کند و بر لزوم قدردانی و حفظ آن اصرار دارد. وحدت به‌عنوان یک معجزه اجتماعی، از دل تفرقه، برادری و همدلی می‌آفریند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۹۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۳۶). علامه طباطبایی تمایز مهمی را مطرح می‌کند. در حالی که آیه پیشین به صورت فردی بر تمسک به کتاب و سنت سفارش می‌کرد، آیه مورد بحث با تعابیر «جمیعاً» و «لا تتفرقوا»، جامعه را به تمسک جمعی به این دو رکن فرا می‌خواند. ایشان دو دلیل الهی برای لزوم وحدت بیان می‌کنند:

۱. دلیل تاریخی/تجربی: اشاره به سابقه دشمنی قبیله اوس و خزرج: «إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً».
۲. دلیل عقلی: هشدار از سقوط در آتش جهالت و تنازع ناشی از اختلاف: «كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ».

علامه طباطبایی تأکید می‌کند که خداوند با بیان این دلایل، انسان‌ها را از پذیرش

۱. و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید.

کورکورانه تعالیم باز می‌دارد و ارتباط حقایق الهی را اثبات می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۷۵). خطر ناشی از عدم اتحاد آشکارا در آیات دیگر نیز بازتاب یافته است. آیه ۴۶ سوره انفال هشدار می‌دهد: «وَلَا تَنَازَعُوا فِي فَتْحِ الشُّرُوقِ وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ»^۱. این امر نشان می‌دهد که اختلاف منجر به ضعف، زوال عزت و از بین رفتن شوکت جامعه می‌شود (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۴۱؛ مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۹، ص ۳۶۱). وحدت به مثابه یک عنصر امدادی و زیربنایی، نقشی محوری در پویایی تمدن‌های انسانی ایفا کرده و گذر موفقیت‌آمیز از تفرقه به برادری و همبستگی را تضمین می‌نماید.

۲. نعمت امنیت: امنیت به عنوان دومین نعمت کلیدی، نقشی حیاتی در قرآن دارد و صرفاً رفع نیاز حداقلی بقا نیست؛ بلکه قرآن با نگاهی موسع، آن را بستری الهی برای رشد و تعالی انسان‌ها در ابعاد روانی، اقتصادی، حفظ جان و وطن معرفی می‌کند. آیه ۲۶ سوره انفال بر امنیت جانی و اجتماعی تأکید می‌کند و، مسلمانان را به یاد دوران اولیه اسلام در مکه می‌اندازد که به دلیل اقلیت و استضعاف، تحت تهدید و ترس از ربوده شدن توسط دیگران بودند. خداوند با اعطای پناهگاه ﴿أَوَاكِرٍ﴾، یاری و نصرت ﴿وَأَيَّدَ كُرْبَصْرِيَّةً﴾، و روزی از طیبات ﴿رَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ﴾، امنیت را محقق ساخت تا شکرگزاری شکل گیرد (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۰۵؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۱۹۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۶۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۳۳؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۰۴).

همچنین، خداوند در آیه ۸۴ سوره بقره بر حفظ میثاق تأکید می‌کند که در بردارنده نریختن خون یکدیگر و اخراج نکردن از دیار است. این تأکید نشان می‌دهد که علاقه به وطن، یک حق فطری است و سلب آن ظلم آشکار به شمار می‌آید (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵۱). امنیت، نعمتی ویژه است که در سایه ایمان حاصل شده است و معیاری اساسی برای سلامت اجتماعی محسوب می‌شود. این بستر امن - که توسعه تمدنی را ممکن می‌سازد - زمینه شکوفایی خلاقیت و هدایت جامعه از حالت هراس و ناامنی به سوی اقتدار و پیشرفت را فراهم می‌آورد.

۳. نعمت دفع خطر: دفع خطر دشمنان به عنوان یکی دیگر از نعمت‌های الهی در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. این نعمت در بردارنده دستورالعمل‌های دفاعی و همچنین یادآوری حمایت‌های الهی در مواجهه با تهدیدات است. قرآن با خطاب به مؤمنان در آیه ۷۱

۱. با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود.

سوره نساء «خُدُوا حِزْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثَبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِيعًا»، بر لزوم آمادگی همیشگی، از جمله آمادگی نظامی، در برابر دشمنان تأکید دارد. عمل به این دستور، رمز موفقیت و عزت است و غفلت از آن، عامل سقوط خواهد بود (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۶۶۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲؛ جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۸۱). و همچنین در آیه ۱۱ سوره مانده خداوند یادآور می‌شود که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ مُّانٍ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاَتَوْا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ». آیه ۱۱ سوره مانده نمونه‌ای از تحقق این نعمت را یادآوری می‌کند؛ آنجا که گروهی قصد تجاوز به مسلمانان را داشتند، اما خداوند دست آنان را کوتاه کرد. این امر به‌طور خاص به دفع توطئه‌های دشمنان برای قتل مؤمنان و محو دین توحیدی اشاره دارد و تأکید می‌کند که توکل و تقوا، کلید جلب لطف الهی و دفع خطر است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۸۸؛ قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۴۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۰۶). دفع خطر، به‌عنوان یک سپر محکم، جامعه را در برابر تهدیدات مصون می‌دارد. پیروزی نهایی مسلمانان بر دشمنان که پس از آن به عزت و حکومت رسیدند، بزرگ‌ترین جلوه این نعمت است (مغنیه، ۱۳۷۸؛ ج ۳، ص ۲۸). این نعمت، زمینه‌ساز مسیر پیروزی و پیشرفت پایدار برای توسعه تمدنی است.

۴. نعمت ولایت: چهارمین نعمت الهی مورد بحث، ولایت است که کانونی‌ترین عنصر در تحقق هدفمند تمدن قرآنی در نظر گرفته می‌شود. ولایت حقیقی از آن خداوند متعال است و پس از او، به اذن الهی، این امر به انبیا علیهم‌السلام و جانشینان معصوم علیهم‌السلام تعلق دارد. قرآن کریم این حقیقت را با آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» بیان می‌کند. آیه ۳ سوره مائده، کمال دین و اتمام نعمت را در گرو پذیرش اسلام و ولایت معرفی می‌کند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». برخی از مفسران، ولایت را بزرگ‌ترین نعمت الهی و رمز سعادت بشر می‌دانند که در کنار اسلام، از برجسته‌ترین نعمت‌هاست (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۲۳۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۹۷). این نعمت با نعمت رسالت مرتبط است؛ زیرا رسالت، فرصت بهره‌مندی از دیگر نعمت‌ها

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر خود، یاد کنید: آن‌گاه که قومی آهنگ آن داشتند که بر شما دست یازند، و [خدا] دستشان را از شما کوتاه داشت. و از خدا پروا دارید، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

را فراهم می‌آورد. پیوستگی این برکات، منوط به وفاداری به پیمان الهی است که رکن اصلی آن تقوا و پرهیزگاری می‌باشد. نقض این پیمان موجب سلب نعمت‌ها خواهد بود (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۲۳۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۷۷). این امر همچنین با توجه به آیه ۷ مانده، یادآور نعمت‌های بی‌شمار، ایمان و لزوم شکرگزاری است. بنابراین ولایت به عنوان یک عنصر راهگشا و امدادی، در تکمیل اهداف دین و هدایت انسان‌ها به سوی کمال نقش کلیدی دارد و زیربنای ایجاد یک جامعه پیشرفته، عادلانه و سعادت‌مند را تشکیل می‌دهد. قدردانی و گسترش این نعمت، گامی اساسی در تحقق تمدن نوین اسلامی است.

۲. وفای به عهد، صفتی برجسته از مؤمنان در نگاه قرآن

با توجه به نعمت‌های بی‌شماری که خداوند به مسلمانان ارزانی داشته است، وفای به عهد، مسئولیت اساسی مسلمانان در قبال نعمت‌های بی‌شمار خداوند است. قرآن، پیمان‌شکنی را عملی مغایر با روح ایمان می‌داند. این اصل یک دستور اخلاقی فراگیر است، اما مسلمانان مخاطب خاص آن هستند. آیات با خطاب «یا ایها الذین آمنوا» بر اجرای دقیق‌تر آن تأکید دارند. وفای به عهد، رعایت عهد‌ها و پایبندی به تمام قراردادهای (عقود) را دربرمی‌گیرد. این تعهد، نشان‌دهنده هویت مؤمن واقعی و ضامن پایبندی به میثاق‌های الهی است. در همین راستا، قرآن کریم دو جنبه مهم را برای وفای به عهد برجسته می‌سازد:

۱. آیه شریفه «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^۱ (مؤمنان/۸)، گویای این حقیقت است که رعایت عهد، جزئی جدایی‌ناپذیر از هویت یک مؤمن واقعی به شمار می‌رود.
۲. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^۲ (مانده/۱)، آشکارا مؤمنان را به وفای عهد فرا می‌خواند. واژه «عقود» در این آیه، پیمان‌های الهی، قراردادهای فردی و اجتماعی میان مسلمانان و حتی پیمان‌هایی را که با غیرمسلمانان بسته می‌شود، دربرمی‌گیرد. این آیه به دلیل خطاب مستقیم به «کسانی که ایمان آورده‌اید»، اهمیتی ویژه در تبیین مسئولیت مسلمانان دارد.

قرآن، اصل «وفای به عهد» را یک اصل اخلاقی و حقوقی جهان‌شمول می‌داند که حتی در تعامل با غیرمسلمانان نیز لازم‌الاجراست. اما آیاتی که با عبارت «یا ایها الذین آمنوا» آغاز می‌شوند، مسلمانان را به‌طور خاص مخاطب قرار می‌دهند و بر مسئولیت آنان در

۱. و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند.

۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای خود وفا کنید.

رعایت این اصول در چارچوب جامعه اسلامی تأکید بیشتری دارند. این بدان معنا نیست که این اصول تنها به مسلمانان اختصاص دارد، بلکه بیانگر تأکید بر اجرای دقیق‌تر و پایبندی عمیق‌تر آنان به این آموزه‌های الهی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۹۹).

۳. بنی اسرائیل و نعم الهی

وفای به عهد، تجلی شکرگزاری در برابر نعمت‌های بی دریغ خداوند است. در مقابل، سرگذشت بنی اسرائیل نشان می‌دهد نادیده گرفتن این پیمان‌ها عواقب ناگواری دارد. قرآن کریم بارها نعمت‌های عظیمی چون نبوت، کتب آسمانی (مانند تورات)، حکمت، و میراث بردن اموال فرعون را به بنی اسرائیل یادآور می‌شود (مانند آیه ۴۰ سوره بقره^۱). گفتنی است «اسرائیل» لقب حضرت یعقوب (علیه السلام) و بنی اسرائیل نسل ایشان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۴۷؛ قرشی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۳۳). پس از فرعون زمان حضرت یوسف (علیه السلام)، فراعنه جدید بر بنی اسرائیل ظلم کردند تا اینکه حضرت موسی (علیه السلام) مبعوث شد و آنان را به سمت کنعان هدایت نمود. در مسیر بازگشت با مقاومت مواجه شده و چهل سال در صحرای سینا سرگردان ماندند. پس از موسی (علیه السلام)، یوشع، کنعان را فتح کرد و بنی اسرائیل پس از ۴۰۰ سال، درخواست پادشاهی کردند و طالوت، داوود (علیه السلام) و سلیمان (علیه السلام) پادشاه شدند. (توفیقی، ۱۳۸۲، صص ۹۱-۹۳).

قوم بنی اسرائیل که از اقوام یهودی به‌شمار می‌روند، در قرآن کریم به تفصیل مورد توجه قرار گرفته‌اند. قرآن با ارائه روایتی جامع از زندگی، ویژگی‌ها و تعاملات این قوم با پیامبران (علیهم السلام)، تصویر روشنی از آنها را ترسیم می‌کند. لازم به یادآوری است که عبارت «بنی اسرائیل» در قرآن ۴۱ بار آمده شده که اهمیت این قوم در متون اسلامی را نشان می‌دهد (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۹۱؛ سبحانی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۳۲۵). در قرآن کریم به نکاتی متعدد از زندگی بنی اسرائیل اشاره شده است؛ از جمله اختلافات درونی آنان، چنانکه در آیه ۹۳ سوره یونس آمده است: «وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبْوَءَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْعِلْمُ»^۲. همچنین خلف وعده فرعون در اجازه دادن به خروج بنی اسرائیل تحت رهبری حضرت موسی (علیه السلام) در آیات ۱۳۴ و ۱۳۵ سوره اعراف مورد اشاره قرار گرفته

۱. «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ»

۲. به راستی ما فرزندان اسرائیل را در جایگاه [های] نیکو منزل دادیم، و از چیزهای پاکیزه به آنان روزی بخشیدیم. پس به اختلاف نپرداختند مگر پس از آنکه علم برای آنان حاصل شد.

است: «وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشِفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿۱۳۳﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هَمَّ بِالْعِوَةِ إِذْ أَاهُرُّ بِنَكَ كُنُونَ ﴿۱۳۴﴾»^۱. این اتفاقات، سرنوشت و تاریخی ویژه برای این قوم به وجود آورده است. این تاریخ برای مسلمانان نیز آموزنده و پندآموز است. بنابراین کثرت اشاره و خطاب به بنی اسرائیل و بیان فراوان حوادث درباره آنان به عنوان قوم حضرت موسی (علیه السلام) در قرآن نشان‌دهنده اهمیت فراوان این قوم نزد مسلمانان و نیز آشنایی عرب‌ها با ایشان پیش از اسلام و در صدر اسلام است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۱). همچنین برخی از ویژگی‌های مثبت و منفی این قوم نیز موردستایش یا انتقاد قرار گرفته است. این بیانات به اشکال مختلف قابل بیان و گزارش هستند.

۳-۱. مصادیق نعمت‌های خداوند به بنی اسرائیل

نعمت‌های الهی اعطاشده به بنی اسرائیل، نقشی محوری و تعیین‌کننده در تکوین و توسعه تمدن این قوم ایفا نمودند. در این راستا، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. اعطای حکم، نبوت و کتاب (جائیه/۱۶): «وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ»: مراد از مفهوم «حکم» آگاهی از مسائل دینی و تشخیص حق از باطل و طرق هدایت و سعادت بود (طبرسی، ج ۵، ص ۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۱۲). بر اساس برخی روایات، تعداد پیامبرانی که خداوند به منظور هدایت بنی اسرائیل فرستاده است، به هزار نفر نیز می‌رسد که از میان آنها، حضرت موسی (علیه السلام) نقشی ویژه دارد. او تورات را به عنوان کتاب آسمانی برای این قوم آورد. (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۲۵۴؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۶۷۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۷۸) این نعمت در آیات دیگری نیز آشکارا بیان شده است: «وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا يَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا»^۳.

۱. و هنگامی که عذاب بر آنان فرود آمد، گفتند: «ای موسی، پروردگارت را به عهدی که نزد تو دارد برای ما بخوان. اگر این عذاب را از ما برطرف کنی حتماً به تو ایمان خواهیم آورد و بنی اسرائیل را قطعاً با تو روانه خواهیم ساخت و چون عذاب را تا سررسیدی که آنان بدان رسیدند از آنها برداشتیم باز هم پیمان‌شکنی کردند.

۲. و به یقین، فرزندان اسرائیل را کتاب [تورات] و حکم و پیامبری دادیم.

۳. کتاب آسمانی را به موسی دادیم و آن را برای فرزندان اسرائیل رهنمودی گردانیدیم که: زنهار، غیر از من کارسازی مگیرید.

اسرا/ ۲) از آن جا که این کتاب حاوی شریعت حضرت موسی (ع) است، خداوند آن را به عنوان راهنمایی برای بنی اسرائیل معرفی می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ص ۳۶)

۲. وارث اموال و ذخایر فرعون (شعرا/ ۵۷-۵۹): «فَأَخْرَجْنَا هُم مِّنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿۵۷﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَارٍ كَرِيمٍ ﴿۵۸﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿۵۹﴾» (سرانجام، ما آنان را از باغستانها و چشمه‌سارها (۵۷) و گنجینه‌ها و جایگاه‌های پر ناز و نعمت بیرون کریم (۵۸) [اراده ما] چنین بود، و آن [نعمتها] را به فرزندان اسرائیل میراث دادیم) (۵۹): قرآن به ذکر نتیجه کار فرعونیان می‌پردازد، و به طور اجمال زوال حکومت آنها و زمامداری بنی اسرائیل را بیان می‌کند، می‌گوید و آن خانه‌ها و قصرها و نهرها و گنجینه‌ها و مقام کریم را به بنی اسرائیل ارث دادیم چون فرعون و لشکریانش غرق شدند و بنی اسرائیل بعد از ایشان باقی مانده و ما آنان را به مصر برگرداندیم، پس می‌توان گفت که وارث آنان شدند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۸، ص ۲۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۸۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۳۸)

۳. نعمت نبوت، حکومت و قدرت (مانده/ ۲۰): «إِذْ جَعَلْنَا فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلْنَا لَكُمْ لُكُومًا لَّيُؤْتِيَنَّ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ»^۱: این آیه به سه نعمت مهم اشاره می‌کند: ۱. «إِذْ جَعَلْنَا فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ»: این بزرگترین نعمت معنوی در حق آنها بود که باعث نجات از تمام مهالك دنیوی و اخروی است و مورث سعادت است و انبیای بنی اسرائیل بسیار بودند چه پیش از حضرت موسی (علیه السلام) مثل یوسف (علیه السلام) و غیر او که اسامی آنها در قرآن نیامده است؛ ۲. «وَجَعَلْنَا لَكُمْ لُكُومًا»: سپس به بزرگترین موهبت مادی که به نوبه خود مقدمه مواهب معنوی نیز می‌باشد و آن سلطنت و ریاست و دولت و ثروت است؛ ۳. «آتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ»: و در آخر نیز به طور کلی به نعمت‌های مهم و برجسته‌ای که در آن زمان به احدی داده نشده بود اشاره فرموده است؛ مانند نزول من و سلوی و انفجار دوازده چشمه از سنگ و شکاف، دوازده جاده در دریا و حرکت ابر بالای سر آنها و هلاک فرعون و فرعونیان و به دست آوردن ذخایر آنها (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۸۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۰۶؛ مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۲؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۳۵).

۴. سایه افکندن ابر بر بنی اسرائیل، و نازل کردن منّ و سلوی (بقره/ ۵۷): «وَوَضَعْنَا عَنُقَهُمْ»

۱. آنگاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد، و شما را پادشاهانی ساخت، و آنچه را که به هیچ کس از جهانیان نداده بود، به شما داد.

الْعَمَاءُ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى^۱: در این آیه سه نعمت از نعمت‌های خداوند بر بنی اسرائیل به برکت موسی (علیه السلام) آورده شده است. نخست تظلیل غمام؛ خداوند ابری را مأمور کرد تا در طول روز بر سر بنی اسرائیل سایه افکند و آنها را از گرمای شدید خورشید حفظ کند. این نعمت به درخواست حضرت موسی (علیه السلام) در زمانی نازل شد که بنی اسرائیل در اثر گرما و تشنگی به اعتراض پرداختند. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۰۰) دوم و سوم نزول من و سلوی: «مَنْ» و «سَلْوَى» دو نعمت الهی هستند که در متون دینی و تاریخی برای قوم بنی اسرائیل در دوران سرگردانی چهل ساله آنها در بیابان (پس از خروج از مصر) بیان شده‌اند. این دو واژه مورد توجه مفسران و لغت‌شناسان بوده‌اند و تفاسیر گوناگونی درباره آنها وجود دارد که بررسی آنها به درک بهتر مفهوم این نعمت‌ها و اهمیت آنها در زندگی انسان کمک می‌کند. این نعمت‌ها در شرایط سخت بیابان برای تأمین نیاز غذایی آنها نازل شدند.

۱. «مَنْ»: درباره تفسیر واژه «مَنْ»، نظرات متعددی وجود دارد: برخی مفسران، «مَنْ» را به قطرات کوچک شیرینی شبیه به شبنم یا صمغ و شیره درختی با طعم شیرین یا توأم با ترشی تعبیر کرده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۰۰؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۱۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۸۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۶۱). عده‌ای دیگر معتقدند که «مَنْ» نوعی غذا بوده که خداوند در بیابان بر قوم بنی اسرائیل فرود فرستاد تا از آن استفاده کنند (افرام بستانی، ۱۳۷۶، ص ۸۶۶). در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که فرمودند: «الکماء من المن» (قارچ نوعی از من است) (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸۲)؛ ۲. «سَلْوَى»: درباره تفسیر واژه «سَلْوَى» نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: «سَلْوَى» در اصل به معنی آرامش و تسلی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۲۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۹۴) و برخی آن را به نعمت‌های معنوی نسبت می‌دهند (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۸۱). اکثر مفسران، «سَلْوَى» را به معنای عسل (طبری، ج ۱، ص ۲۳۵؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۴۳؛ ابن عطیه اندلسی، ج ۱، ص ۱۴۸) یا مرغ بریانی می‌دانند که هر روز بر سفره‌های بنی اسرائیل قرار می‌گرفت و آنها از گوشت آن استفاده می‌کردند (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۱۹۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۰۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۰۰). برخی لغت‌شناسان، «سَلْوَى» را به پرنده و گنجشک اطلاق می‌کنند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۹۸).

۱. و بر شما ابر را سایه‌گستر کردیم و بر شما «گزانگبین» و «بلدرچین» فرو فرستادیم.

۵. نجات از فرعونیان (بقره/۴۹): «وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ»^۱: نعمت آزادی از چنگال ستمکاران که از بزرگترین نعمت‌های خدا است که این آیه به آن اشاره می‌کند. قرآن به‌ویژه برای مجسم ساختن عذاب فرعونیان نسبت به بنی اسرائیل تعبیر به «یسومون» می‌کند که در اصل به معنی دنبال چیزی رفتن می‌باشد و از آنجا که فعل مضارع است و معمولاً معنی پیوستگی و استمرار را می‌بخشد، درمی‌یابیم که بنی اسرائیل پیوسته تحت شکنجه فرعونیان (قوم و اتباع و هل دینش) بوده‌اند. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۸۱؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۳۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۸).

نعمت‌های یادشده در قرآن کریم نقشی کلیدی در ایجاد و شکل‌گیری تمدن بنی اسرائیل ایفا کردند. این یادآوری نعمت‌ها نه تنها به سرزنشی برای قوم بنی اسرائیل بلکه هشدار برای تمام انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود. یادآوری این نعمت‌ها برای همه انسان‌ها یک هشدار است که باید بر خداترسی، وفای به عهد، ایمان به قرآن و پرهیز از تحریف حقیقت پایبند باشند. نعمت‌های الهی تأثیری عمیق بر زندگی اجتماعی و فردی بنی اسرائیل گذاشتند و زمینه‌ساز شکل‌گیری یک تمدن جدید و شکوفایی فرهنگی مبتنی بر اصول اخلاقی و دینی تحت رهبری حضرت موسی (علیه السلام) شدند که به عنوان الگویی ارزشمند مطرح گردید. با این حال، بنی اسرائیل در نهایت این نعمات را فراموش کردند و عهد خود با خداوند را شکستند. این انحراف به عقب‌نشینی فرهنگی و اجتماعی و تحمل پیامدهای سنگین منجر شد. این مطالب یادآور این نکته است که هر جامعه‌ای بر پایه اصول اخلاقی، دینی و وفای به عهد بنا شود، به شکوفایی می‌رسد، اما غفلت از این اصول، عواقب وخیمی در پی دارد. یادآوری نعمت‌های الهی برای بهره‌مندی از تجارب گذشتگان و پرهیز از اشتباهات آنها ضروری است.

۲-۳. پیمان شکنی بنی اسرائیل

تمدن‌ها در طول تاریخ با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها، پایبندی به عهد و پیمان‌هاست. در قرآن کریم، نقض عهد یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های تاریخی تمدن‌ها و از منظر قرآن کریم، آسیبی جدی است که تمام جوامع را تهدید می‌کند. بنی اسرائیل در قرآن، نمادی از قومی هستند که به دلیل بدعهدی‌های مکرر در پایبندی به اصول اساسی دینی مانند توحید، اقامه نماز و پرداخت زکات، نکوهش شده‌اند. تجربه نقض

۱. و [به یاد آرید] آنگاه که شما را از [چنگ] فرعونیان رهانیدیم؛ [آنان] شما را سخت شکنجه می‌کردند.

عهد این قوم، پیامدهای مهمی برای جوامع امروز دارد و نشان می‌دهد چگونه این پدیده می‌تواند مانع ایجاد و حفظ یک تمدن قرآنی شود. این پیامدها آشکارا در آیات قرآن، به‌ویژه در سرگذشت بنی‌اسرائیل، تبیین شده است. در این بخش به برخی از این آیات اشاره می‌کنیم:

الف) آیه ۸۳ سوره بقره: «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمُ الْآفِلَاقَ مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ»^۱: در صدر آیه، خداوند به تأکید بر تعهدات اخلاقی و اجتماعی مانند نماز، زکات، احسان به والدین و دیگران که در بخش پیشین به آن اشاره گردید، می‌پردازد. اعراض بنی‌اسرائیل از این تعهدات می‌تواند پیامدهای فردی چون اعراض از عبادت را در پی داشته باشد که به احساس دوری از رحمت الهی و فقدان آرامش درونی منجر می‌شود. کنار گذاشتن زکات و احسان به دیگران به فراموشی تعهدات اخلاقی فرد نسبت به دیگران، ترک احسان و نیکی به والدین، خویشان، یتیمان و مستمندان می‌انجامد که می‌تواند به گسترش صفات منفی مانند خودخواهی، بی‌احساسی و عدم همدلی در فرد منجر شود و پیامدهای اجتماعی چون عدم تمایل به زکات و احسان به دیگران را در پی دارد که به کاهش حمایت اجتماعی و کمک به نیازمندان می‌انجامد. افزایش فقر و نابرابری در جامعه و اعراض از انجام تعهدات اجتماعی نیز به تضعیف روابط خانوادگی و بروز تنش‌ها و اختلافات در میان افراد جامعه منجر می‌شود که به تمدن قرآنی آسیب می‌زند. (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۱۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۱۰).

ب): آیه ۷۰ سوره مائده: «كَمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ»^۲: کفر و انکار: این آیه به تکذیب و کشتن پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از سوی بنی‌اسرائیل اشاره دارد. این عمل، نشان‌دهنده کفر و انکار حق از سوی فرد است. فرد با انکار پیام الهی، خود را از هدایت و رستگاری محروم می‌سازد که به نقض میثاق‌ها و پایبند نبودن آنها اشاره می‌کند. (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۹۳).

۳-۳. پیامدهای نقض عهد

قرآن پیامدهایی را برای نقض عهد بیان می‌کند که می‌توان آنها را در شمار مواردی دانست که تمدن‌ها را در فرایند افول قرار می‌دهند:

۱. آنگاه، جز اندکی از شما، [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید.
۲. هر بار پیامبری چیزی بر خلاف دلخواهشان برایشان آورد، گروهی را تکذیب می‌کردند و گروهی را می‌کشتند.

الف) لعن الهی و قساوت قلب: «فَمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً»^۱ (مائده: ۳۰): در حقیقت آنها به جرم پیمان شکنی با این دو مجازات، کیفر دیدند، هم از رحمت خدا دور شدند، و هم افکار و قلوب آنها متحجر و غیر قابل انعطاف شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۰۰).

ب) عذاب آسمانی: «فَأَنزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ جَزَاءٍ مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»^۲ (بقره: ۵۹): سنت خداوند نزول رحمت است به همین دلیل بهترین غذا «من و سلوی» برای بنی اسرائیل نازل شد، ولی به خاطر کج رویی‌ها و پیمان شکنی‌ها عذاب نازل می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۱۲۴).

ج) ذلت و زندگی فقیرانه: «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءَ وَعَصَبَ مِنَ اللَّهِ»^۳ (بقره: ۶۷): در اثر عمل نکردن به تعهدات و تکالیف، انکار آیات الهی و کشتن به ناحق پیامبران (علیهم السلام) ذلت و مسکنت برای آنان لازم گشت. (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۰۰). لازم به یادآوری است که خداوند تنها در آیه ۶۴ سوره بقره به بخشیده شدن عهد شکنی آنها اشاره می‌کند که می‌فرماید: «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۴. در این آیات، بنی اسرائیل به وضوح اظهار کرده‌اند که از دستورات الهی سرپیچی کرده‌اند و با عدم اجرای تعهدات خود، به حالت اعراض روی آورده‌اند.

به طور کلی، قرآن این مسائل را به عنوان نمونه‌هایی از عهد شکنی‌های مکرر بنی اسرائیل معرفی می‌کند، به طوری که شکستن پیمان الهی و تمرد از دستورات خدا به عادت آنها تبدیل شده است. بنابراین، آیات قرآن به وضوح پیامدهای منفی عدم پابندی به میثاق‌های الهی و ضرورت وفای به عهد را گوشزد می‌کند. با این حال، بنی اسرائیل به مرور زمان این نعمات را فراموش کردند و عهد خداوند را شکستند. این انحراف نه تنها به عقب نشینی فرهنگی و اجتماعی آنان انجامید؛ بلکه پیامدهای سنگینی برای آنان به دنبال داشت.

۱. پس به [سزای] پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم.
۲. و ما [نیز] بر آنان که ستم کردند، به سزای اینکه نافرمانی پیشه کرده بودند، عذابی از آسمان فرو فرستادیم.
۳. و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد، و به خشم خدا گرفتار آمدند
۴. سپس شما بعد از آن [پیمان] رویگردان شدید، و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلماً از زیانکاران بودید.

بنابراین، این مطالب به ما یادآوری می‌کند که هر جامعه‌ای که بر پایه اصول اخلاقی، دینی و وفای به عهد بنا شده باشد، می‌تواند به موفقیت و شکوفایی دست یابد، ولی غفلت از این اصول می‌تواند عواقب وخیمی به همراه داشته باشد. و نیز یادآوری نعمت‌های الهی باید همواره در ذهن انسان‌ها باقی بماند تا از تجارب گذشتگان بهره‌مند شوند و از اشتباهات آن‌ها پرهیز کنند.

جمع بندی

مفهوم نعمت در قرآن، به عنوان عنصر بنیادین تمدنی، نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری و پویایی تمدن‌ها ایفا می‌کند. مفاهیمی نظیر شناخت نعمت‌ها، شکرگزاری و وفای به عهد، به طور مستقیم بر تکثیر نعمت‌ها، بهبود شرایط زندگی، پویایی و پیشرفت جوامع تأثیر می‌گذارند و زیرساخت‌های لازم برای شکل‌گیری و پایدارسازی تمدن اسلامی را فراهم می‌آورند. در این راستا قرآن پیامدهایی را برای نقض عهد ذکر می‌کند که می‌توان آنها را در شمار مواردی دانست که تمدن‌ها را در فرایند افول قرار می‌دهند. نعمت‌های الهی، نه تنها مقوله‌های فردی، بلکه ارکان اصلی تمدن‌ها محسوب شده و وفای به عهد، به عنوان میثاق الهی، در جاویدان‌سازی مناسبات اجتماعی و فرهنگی نقش دارد. درک عمیق از جایگاه انسان در هستی و التزام به شکرگزاری و وفای به عهد، زمینه‌ساز ایجاد و حفظ تمدن نوین اسلامی بر پایه عدالت، همزیستی مسالمت‌آمیز و پیشرفت همه‌جانبه است. علاوه بر این، مفاهیم کلیدی دیگری چون وحدت، امنیت و دفع خطر، در ساختار اجتماعی و فرهنگی جوامع قرآنی مؤثر بوده و نیازمند کاربرست عملی در زندگی روزمره هستند. شکرگزاری، فرآیند تبدیل نعمت به پویایی و شکوفایی را در جامعه آشکار می‌سازد و با ایجاد یک نظام ارزشی مبتنی بر دوستی، همبستگی و تعاون، به ایجاد جامعه‌ای متعالی و پایدار کمک می‌کند. همچنین قرآن کریم عدم وفای به میثاق‌های الهی را عامل مهمی در انحطاط تمدن‌ها می‌داند و پیامدهای ناگوار آن را به عنوان آسیب‌های جدی برای جوامع برمی‌شمارد. این امر نشان می‌دهد که پایبندی به اصول اخلاقی و دینی، لازمه پیشرفت و موفقیت تمدن‌هاست. آیات قرآن، ضمن یادآوری چالش‌های تاریخی، الگویی عملی برای خودآگاهی و شکرگزاری نسبت به نعمت‌ها ارائه می‌دهند. شکرگزاری و بهره‌گیری صحیح از نعمت‌ها، به تحکیم پایه‌های تمدن اسلامی و حفظ آن از زوال کمک می‌کند. تلاش انسانی در راستای شکرگزاری و عمل به تعهدات، تعیین‌کننده سرنوشت جوامع بوده و مفهوم نعمت در قرآن، جزئی جدایی‌ناپذیر از تأسیس و تداوم حیات تمدن‌های پیشرفته به شمار می‌رود.

بهره‌برداری از این نعمت‌ها در راستای تمدن نوین اسلامی با تأکید بر آموزه‌های قرآن می‌تواند به سعادت و کمال اجتماعی و فردی منتهی شود. از این‌رو درک و تجلی نعمت و شکرگزاری باید همواره در کانون توجه انسان‌ها قرار گیرد تا با بهره‌مندی از تجارب گذشته، زمینه‌ساز تمدنی انسانی و الهی گردند که به سعادت و آرامش بشریت یاری رساند. این بینش، به‌ویژه در جوامع معاصر می‌تواند نقشی کلیدی در شکل‌گیری یک نظام اجتماعی عادل و پایدار ایفا کند. تأکید قرآن بر نعمت‌های الهی، همزمان به رفتار و عمل انسان‌ها در قبال این نعمت‌ها نیز توجه دارد؛ بدین معنا که صرف برخوردارگی از نعمت‌ها کافی نیست، بلکه تلاش انسانی در شکرگزاری و عمل به تعهدات اجتماعی و اخلاقی، سرنوشت جوامع را رقم می‌زند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۰۸ق)، مقدمه ابن خلدون، محقق: علی عبدالواحد، فاهره: دارنهضه مصر.
۳. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق. (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۵. افرام بستانی، فواد. (۱۳۷۶ش)، فرهنگ ابجدی، مترجم: رضا مهیار، تهران: ناشر اسلامی.
۶. آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. بحرانی، سیدهاشم. (۱۴۱۶ق)، البرهان فی العلوم القرآن، قم: نشر موسسه علمی.
۸. بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، محقق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۹. توفیقی، حسین. (۱۳۸۹ش)، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
۱۰. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق. (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، انتشارات هجرت، قم، ۱۳۷۶ش.
۱۲. حویزی (عروسی)، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، محقق: هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۳. خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷ش)، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، تهران: نشرناهد و دوستان.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، مترجم: صفوان الداودی، دمشق: دارالقلم.

۱۵. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل، بیروت: دارالکتب العلمیه..
۱۶. سبحانی تبریزی. (۱۳۹۰ش)، جعفر، منشور جاوید، قم: نشر موسسه امام صادق علیه السلام.
۱۷. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: نشر کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی.
۱۸. شریعتی، علی (۱۳۶۸ش)، تاریخ تمدن، تهران: نشر قلم.
۱۹. طالقانی، محمود. (۱۳۶۲ش)، پرتویی از قرآن، تهران: انتشارات شرکت سهامی..
۲۰. طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه، موسوی همدانی، قم: نشر اسماعیلیان.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰ش)، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجم: احمد بهشتی، تهران: نشر فراهانی.
۲۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
۲۵. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب (تفسیر الکبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق)، العین، قم: موسسه دارالهجره.
۲۷. فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعه و النشر.
۲۸. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن. مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰ش)، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب، تهران.

۲۹. _____ (۱۴۱۶ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: انتشارات وزارت ارشاد.
۳۰. قرشی، علی اکبر. (۱۳۶۷ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. _____ (۱۳۷۷ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: نشر بعثت.
۳۲. قرطبی، محمدبن احمد. (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۳. مدرسی، محمد تقی. (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دارالمحبی الحسین (ع).
۳۴. مغنیه، محمد جواد. (۱۳۷۸ش)، التفسیر الکاشف، تهران: نشر صدرا.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ق)، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: نشر دانشگاه تهران، تهران.
۳۸. گولد، جولیس و ویلیام کولب. (۱۳۹۲ش)، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: باقر پرهام، تهران: نشر مازیار.
۳۹. سلیمانپور، علی وامیر اکبری. (۱۳۹۴)، بررسی نظام تمدن سازی اسلامی در قرآن کریم (با بهره گیری از رویکرد تحلیل گفتمان)، فصلنامه مشکاه، شماره ۱۲۸.
۴۰. الویری، محسن. (۱۳۹۴ش)، کارکرد تمدنی قرآن یک بررسی مقدماتی در قلمرو تمدن پیشین اسلامی، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۸۰.
۴۱. نوروزی فیروز، رسول. (۱۳۹۴ش)، تمدن به مثابه سطح تحلیل، فصلنامه فلسفه و الهیات، شماره چهارم.
۴۲. محمودی، زهرا، محمد کاظم رحمان ستایش و حبیب الله بابایی. (۱۴۰۱ش)، نقش نگرش سامانه ای در خوانش تمدنی قرآن و صورت بندی تمدن، فصلنامه مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، شماره ۲.